

چپ داروینی

سیاست، تکامل، همکاری

پیت سینگر

ترجمه

محمد مهدی هاتف



نشر کردن

Peter Singer
A Darwinian Left:
Politics, Evolution and Cooperation
Yale University Press, 2000

سرشناسه: سینگر، پیتر، ۱۹۴۷ - م.

Singer, Peter, 1946-

عنوان و نام پدیدآور: چپ دارینی سیاست، تکامل، همکاری/پیتر سینگر؛ ترجمه محمدمهدی هاتف.

مشخصات نشر: تهران: نشر گنج، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

فروست: مجموعه مطالعات تکامل؛ ۱.

شابک: 978-622-6420-56-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: *A Darwinian Left: politics, evolution, and cooperation*

یادداشت: کتابنامه: ص ۸۸-۸۱.

موضوع: داروینیسم اجتماعی

موضوع: Social Darwinism

موضوع: چپ و راست (علوم سیاسی)

موضوع: Right and left (Political science)

موضوع: سوسیالیسم

موضوع: Socialism

موضوع: انسان -- تکامل

موضوع: Human evolution

شناسه افزوده: هاتف، محمدمهدی، ۱۳۶۳ - ، مترجم

شناسه افزوده: Mohamadmehdi, Hatef

رده بندی کنگره: HM۶۳۱

رده بندی دیویی: ۳۲۰/۵۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۴۸۶۰۷

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر کرگدن: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶ - ۱۳۱۴۵

www.kargadanpub.com

telegram.me/kargadanpub

نشر کرگدن

مجموعه مضامین تکامل - ۱

دبیر مجموعه: محمد علی معمارصادقی

چاپ داروینی: سیاست، تامل، مکان

نویسنده: پیترو سینگر

مترجم: محمدمهدی هاتف

ویراستار: شادی جاجرمی زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: نقش جوهر

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۲۰-۵۶-۳

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

یادداشت دبیر مجموعه

یکصد و شصت سال پس از انتشار کتاب دوران ساز داروین، تکامل دیگر «فقط یک نظریه» در کنار نظریه‌های دیگر نیست. هیچ دانشگاهی در جهان و ایران وجود ندارد که نظریه‌ای جز تکامل را درباره منشأ و تنوع گونه‌ها تدریس کند و «نظریه‌های دیگر» عمدتاً محدود به محافل غیردانشگاهی و غیرعلمی دانشگاه‌ها نیز محدود به غیرزیست‌شناسان مانده است.

یکصد و شصت سال پس از انتشار کتاب دوران ساز داروین، اکنون بحث نه بر سر نظر تکامل بلکه بر سر انقلاب داروینی است که پس از انقلاب کوپرنیکی بزرگترین دستاورد بشر در تعیین جایگاه او در نظام کائنات است. همان‌طور که انقلاب کوپرنیکی باعث ابطال نظریه مرکزیت فیزیکی ما در کیهان شد، انقلاب داروینی هم مسؤول ابطال نظریه مرکزیت زیستی ما در مجموعه موجودات زنده است.

این انقلاب حتی در غرب نیز در جریان است و هضم نتایج آن به چند سده وقت نیاز دارد. مهم‌ترین این نتایج، اول قبول «غیرضروری بودن» (contingency) وجودمان و دوم قبول «پیوستگی» (continuity) آن با دیگر موجودات زنده است. غیرضروری بودن یعنی اینکه وجود ما نتیجه اتفاقات تکاملی است و اگر زمان به عقب بازمی‌گشت و تکامل دوباره اتفاق می‌افتاد، هیچ معلوم نبود ما نیز دوباره از جمله محصرات آن باشیم. پیوستگی نیز یعنی تفاوت ما با موجودات زنده دیگر تفاوتی ماهوی و کیفی نیست. ما تنها کمی از موجودات زنده دیگر پیچیده‌تریم.

اینها اما نتایجی نیستند که همه با آن موافق باشند یا بتوانند به آسانی هضم کنند. حتی سازگار کردن باورهای دینی با این نتایج نیازمند شناخت نظریه تکامل و انقلاب داروینی حاصل از آن است.

استلزامات نظریه تکامل سال‌هاست که دیگر محدود به زیست‌شناسی

تکاملی نمانده و اکنون مباحثی مانند بیوشیمی تکاملی، باستان‌شناسی تکاملی، علوم سیاسی تکاملی، روان‌شناسی تکاملی، جامعه‌شناسی تکاملی، پزشکی تکاملی، فلسفه تکاملی، انسان‌شناسی تکاملی، زیبایی‌شناسی تکاملی، اقتصاد تکاملی، دین‌شناسی تکاملی، اسطوره‌شناسی عصبی - تکاملی، زبان‌شناسی تکاملی، آواشناسی تکاملی و موسیقی‌شناسی تکاملی تنها بخشی از نتایج ورود تکامل به عرصه‌های شناخت بشری است. اگر ما، مثل همه جانداران، محصول فرایند تکامل (تکامل زیستی و تکامل فرهنگی) باشیم، هر چیز مربوط به ما نیز محصول فرایند تکامل است و بار اول از این منظر به آن نگریسته شود. تکامل حتی محدود به عرصه شناخت نیز نمانده و در عرصه‌های فناوری و خلاقیت نیز الهام‌بخش بوده است؛ برنامه‌نویسی تکاملی، رایانش تکاملی، رباتیک تکاملی، مکر تکاملی (به‌ویژه موسیقی تکاملی) و نقد ادبی داروینی نمونه‌هایی از این دست‌اند.

مجموعه «مطالعات تکامل» را آن است با فراهم آوردن متون کلاسیک و غیرکلاسیک در همه مباحث تکاملی، گامی کوچک در راه شناخت انقلاب داروینی و نتایج و استلزامات آن برآورد و کمک کند ما نسبت خود را با این انقلاب علمی هرچه روشن‌تر کنیم. بررسی و پژوهش در تاریخ نظریه تکامل و تاریخ مواجهه ما با این نظریه و نیز احیای میراث فرهنگی و علمی ما در این زمینه گام کوچک دیگری است در این راستا که در مجموعه «مطالعات تکامل» به آن خواهیم پرداخت.

نظریه تکامل نه حرف آخر است و نه حقیقت محض. نظریه تکامل موفق‌ترین نظریه در تبیین چگونگی پیدایش جانداران و ما است که تاکنون ارائه و از سوی جامعه علمی پذیرفته شده است و همین کافی است مجموعه‌ای را در نشر کرگدن به آن اختصاص دهیم.

فهرست

۱	مقدمه مترجم
۷	مقدمه
۱۷	فصل ۱. سیاست و داروینیسم
	فصل ۲. آیا چپ‌ها می‌توانند دیدگاه داروینی را دربارهٔ سرشت
۴۱	انسان بپذیرند؟
۵۵	فصل ۳. رقابت یا همکاری؟
۶۷	فصل ۴. از همکاری به ایثار
۷۵	فصل ۵. چپ داروینی برای امروز و فردا
۸۱	یادداشت‌ها و منابع

مقدمه مترجم

«من یک سوسیالیست هستم، زیرا عقیده دارم والاترین قانون بشریت عدالت است». این جمله، است از زندگی نامه خودنوشت آلفرد والاس^۱، دانشمند انگلیسی که هم زمان با داروین و مستقل از او به نظریه انتخاب طبیعی دست یافت. والاس، برخلاف داروین که علاقه‌ای به دنبال کردن دلالت‌های سیاسی از مذهبیش نداشته، بدش نمی‌آمد نظریه انتخاب طبیعی را با سوسیالیسم و معنویت‌گرایی محبوبش پیوند زند. اما در نهایت، دست از انتخاب طبیعی به نام داروین خورد و همین امر تا اندازه‌ای سرزنش سیاسی این نظریه را رقم زد. نظریه داروین متولد نشده توسط جناح راست مصادره شد. گویی پتانسیل نهفته در ایده‌های تنازع برای بقا و بقای شایسته‌ترین^۲ را هیچ‌کس بهتر از دست راستی‌ها نمی‌توانست آزاد کند.

1. Alfred Russel Wallace

۲. survival of the fittest؛ شایسته‌ترین از نظر تکاملی، یعنی افرادی که بیشترین شانس را برای بقا و تولیدمثل دارند.

ایده‌هایی که به تعبیر توماس هاکسلی^۱ «کار یک اسلحه واقعی و بی‌نقص را در زرادخانه لیبرالیسم به انجام می‌رساندند».

با این حال، این سرنوشت تنها سرنوشت ممکن برای این نظریه نبود و در عمل هم آینده داروینیسم در پیوند با سرمایه‌داری خلاصه نشد. همچنان‌که از نامه^۲ ۱۸۶۲ مارکس به فردینان لاسال^۳ برمی‌آید، اشتیاق او به منشأ انواع^۴ اگر از جبهه مقابل بیشتر نبوده باشد کمتر هم نبود. او عقیده داشت «کتاب داروین اهمیت بسیار دارد و مبنایی علمی برای نبرد طبقاتی در تاریخ فراهم می‌کند». این تعبیر البته عجیب نخواهد بود اگر ارادت مارکس را به علوم تجربی به یاد آوریم. هفت سال بعد از او در کتاب سرمایه^۵ کار خود را با فیزیک قیاس کرد، و کتاب هدفتش از این کتاب کشف قوانین حرکت اقتصاد سرمایه‌داری با الگوی قوانین مکانیک سماوی بوده است. مارکس در دو پاورقی از ویرایش دوم جلد نخست سرمایه از داروین نام برد. در سال ۱۸۷۳، یعنی شش سال پس از چاپ جلد نخست سرمایه، نسخه‌ای از متن آلمانی آن را همراه نامه‌ای برای داروین فرستاد. از نامه مارکس اثری به جا نمانده، اما پاس داروین که با فاصله چند ماه نوشته شده باقی است. او پس از تقدیر تشکر، ناآشنایی‌اش را با «موضوع عمیق و مهم اقتصاد سیاسی» دلیل نخواندن کتاب مارکس عنوان کرد. اگرچه این را هم نوشت که «من باور دارم هر چه ما دلبسته‌گسترش دانش‌ایم و این اثر نیز در طول زمان بی‌تردید بر خوشبختی بشریت خواهد افزود». هفت سال بعد، مارکس دوباره با داروین نامه‌نگاری کرد، که این بار هم تنها نامه داروین شانس بقا

1. Thomas Henry Huxley

2. Ferdinand Lassalle

3. The Origin of Species (1859)

4. Das Kapital (1867)

یافته است. از مفاد این نامه برمی آید مارکس قصد داشته یکی از آثارش - شاید ترجمه انگلیسی جلد نخست سرمایه - را به داروین تقدیم کند که با مخالفت اکید او روبه‌رو می‌شود. از نظر داروین، تقدیم اثر به معنای تصدیق آن توسط داروین بود، حال آنکه او سر رشته‌ای از این مباحث نداشت. ضمن اینکه از مشی مارکس بنی بر مخالفت عریان با مسیحیت نیز دوری می‌جست، هم به دلیل مقاومت‌هایی که در برابر نظریات علمی او ایجاد می‌کرد و هم به خاطر مراعات حال برخی اعضای خانواده، یعنی همسرش. مراد از بیان این دو چهره تاریخ‌ساز همین جا تمام می‌شود، اما حیات سیاسی این دو نمایه با تمام فرازونشیب‌های تازه آغاز شده بود، حیاتی که البته مطالب میل هیچ‌یک از آن دو پیش نرفت. در یک سو، داروینیسم اجتماعی، با تلاش‌های هربرت اسپنسر^۱، حامی مشهور داروین، و فرانسیس آلتون^۲، پسرعمه ناتنی داروین، به سرعت از دل داروینیسم سربرآورد. تقابل میان داروینیسم و مسیحیت نیز به مرور بالا گرفت و عرصه را برای نظریه تنگ کرد. در دیگر سو، مارکسیسم نیز به تدریج از علوم تجربی فاصله گرفت و هرچه بیشتر رنگ‌وبوی یک ایدئولوژی سیاسی گرفت.

اما از ابتدای قرن بیستم به‌ویژه دانشمندان روسی بسیار تلاش کردند با فاصله انداختن میان داروین و مالتوس^۳ بین داروینیسم و سوسیالیسم آشتی برقرار کنند. پتر کروپوتکین^۴ شاید نامدارترین

1. Herbert Spencer

2. Francis Galton

3. Thomas Robert Malthus؛ (۱۷۶۶-۱۸۳۴)، متفکر انگلیسی که نظریه رشد جمعیت او تأثیر زیادی بر صورت‌بندی داروین از ایده تنازع برای بقا داشت.

4. Peter Kropotkin

چهره میان آنها باشد. کسی که کوشید با ایجاد تعدیلاتی در نظریه انتخاب طبیعی، تصویری رقابتی از سرشت انسانی را با تصویری همکارانه جایگزین کند. بدین منظور، او نمونه‌هایی فراوان از رفتارهای جمعی و همکارانه از گونه‌های مختلف جانوری گرد آورد تا نشان دهد طبیعت بیش از آنکه ستیزه‌جویی و خودخواهی را در جانداران تعبیه کرده باشد، تخم همکاری و جمع‌گرایی را کاشته است. هرچند این دیدگاه عموماً دیدگاهی حاشیه‌ای تلقی شده، تا به امروز به حیات خود ادامه داده است و اکنون می‌توان گفت در سایه شواهد متعددی که ایثارگری^۱ پیدا کرده، نادیده گرفتن این دیدگاه مغایر با صداقت علمی است.

کتاب حاضر نیز به این سنت پیتر سینگر، فیلسوف اخلاق اسرائیلی و نظریه‌پرداز برجسته اخلاق زیستی^۲، می‌کوشد بر پایه شواهد تازه، ریشه از نظریه بازی‌ها وام گرفته، نشان دهد تفسیر دست راستی از سرشت انسانی بر پایه نظریه تکامل تفسیری ناصواب است، و بدین تفسیری همکارانه که نفع فرد را در گرو نفع همگان می‌بیند جایگزین نمود. به‌طور خلاصه، سینگر در پی آشتی دادن داروین‌یسم با سوسیالیسم است. برای دستیابی به این مقصود او نخست دو وصلت نامیمون تاریخی را هدف قرار می‌دهد. وصلت نخست، چنان‌که گممه شد، میان داروین‌یسم و سرمایه‌داری است. سینگر می‌کوشد سردستی نشان دهد این دو تلازمی با هم ندارند و بنابراین، باز کردن این گره تاریخی دشوار نیست. وصلت دوم نیز میان سوسیالیسم و

1. altruism

2. bioethics

مارکسیسم برقرار است. سینگر در عین اینکه همدلی چندانی با مارکسیسم نشان نمی‌دهد، عمیقاً دلبسته سوسیالیسم است. با باز کردن این دو گره او می‌کوشد دو عنصر آزادشده، یعنی داروینیسم و سوسیالیسم، را با هم پیوند زند. اما این پیوند تازه تنها در صورتی ممکن می‌شود که حک و اصلاحاتی در هر دو نظریه اعمال شود؛ نخست، سوسیالیسم باید تصورات خام و نادرستش را از سرشت انسانی کنار بگذارد و آنها را با تصویری علمی که زیست‌شناسی به دست می‌دهد جایگزین کند. برای مثال، در سوسیالیسم تکاملی از فرد انتظار نمی‌رود خود را فدای خلق کند. انتظار این است که در هم تنیدگی منافع فردی‌اش را با منافع جمعی ملاحظه کند و بر پایه نفع همگان تصمیم بگیرد. این جایگزینی تجدیدنظری اساسی را در سیاست و اقتصاد به همراه دارد. دوم اینکه تصویر تأییدشده سینگر از سرشت زیستی انسان نیز با تلقی مشهور در زیست‌شناسی تفاوت‌هایی دارد. در این تصویر بدیل، انسان به ذات خود نه ستیزه‌جو که اهل همکاری است. به نسخه‌ای از یک فایده‌گرایی جمع‌گرایانه پایبند است. امید است که این است که پیوند داروینیسم و سوسیالیسم امکان بازتعریف خط‌مشی‌های مثبت‌شده در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی را فراهم کند؛ به تعبیری در جهت نوعی آرمان سوسیالیستی واقع‌بینانه.

از راهله فتوحی ممنون‌ام که از سر لطف متن ترجمه را خواند و آن را صیقل داد. نیز سپاس ویژه دارم از محمدرضا معمارصادقی که با وسواس تحسین‌برانگیزش متن را مقابله کرد و پیشنهادهایی شایسته داد، هرچند که در نهایت دستم را در اعمال همه آنها باز گذاشت.